پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
صص ۳۳۱-۳۵۹ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 50, Autumn &Winter 2024/ 2025

تحلیل نوین مؤلفه‌های معنایی صراط مستقیم در قرآن کریم

عبدالهادی فقهی‌زاده[۱]، خلود محرزی‌نژاد موسوی[۲]، علیرضا دل‌افکار[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۰۹)

چکیده

در قرآن، علی رغم بسامد بالا و جایگاه محوری آن در گفتمان وحی، کمتر به مثابه نظام معنایی «صراط مستقیم» مفهوم تحلیل شده است.پژوهش حاضر با رویکردی نوین به تحلیل مؤلفه‌های معنایی صراط مستقیم و «دین» جامع و معادل مفهومی بررسی جایگاه آن به عنوان یکی از کلیدی‌ترین واژگان جانشین مفهوم دین در قرآن می‌پردازد.هدف اصلی این پژوهش، ارائه الگویی نظام‌مند از مؤلفه‌های معنایی این مفهوم و تبیین نسبت آن با نظام هدایتی قرآنی است. نوآوری‌های پژوهش شامل: ارائه نخستین نقشه جامع معناشناختی صراط مستقیم با استخراج ۱۰ مؤلفه کلیدی (قیمومیّت، اعتدال، یگانگی، عبودیت، قرب حضور رهرو، تمسک به خدا، کلیت گرایی، اتمام حجّت، وسعت وجودی و وحدت آفرینی)، توسعه چارچوب نظری جدیدی برای تحلیل واژگان قرآنی با در شبکه معنایی «صراط مستقیم» تلفیق روشهای تفسیر موضوعی، تحلیل سیاقی و معناشناسی ساختگرا، اثبات جایگاه ب تبدیل و تحلیل محتوای کیفی «صراط مستقیم» در قرآن. این پژوهش با بررسی تمامی آیات قرآن کریم مرتبط با مفهوم «دین» واژگان حوزه آیات آن‌ها را در سه سطح: آیات ناظر به چیستی صراط مستقیم، آیات مرتبط به عوامل هدایت به صراط مستقیم و آیات بیانگر مصادیق عینی صراط مستقیم تقسیم می کند. و از بررسی تطبیقی آراء مفسران برجسته و تحلیل شبکه معنایی بهره‌مند شده است. این با دارا بودن مؤلفه‌های معنایی کامل و جامع، به عنوان گویاترین واژه جانشین «صراط مستقیم» پژوهش به روشنی نشان می‌دهد که دین در قرآن قابل طرح است. این مفهوم نه تنها تصویری همه جانبه از دین ارائه می‌دهد، بلکه قابلیت بالایی برای پاسخگویی به نیازهای انسان معاصر دارد.

کلید واژه‌ها: کرامت، معجزه، عرفان، آیات قرآن، تذکرة الاولیاء.

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛ Faghhizad@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ Sa_m1351@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ Delafkar@pnu.ac.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

۱. بیان مسأله

در نظام مفهومی قرآن کریم، مفاهیم بنیادین دینی از طریق شبکه‌ای از واژگان مرتبط بیان شده‌اند که هر یک زاویه‌ای خاص از حقیقت دین را نمایان می‌سازد. در این میان، مفهوم «صراط مستقیم» به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم قرآنی، جایگاه ویژه‌ای در تبیین ماهیت دین دارد. اما مسئله اصلی این است که علیرغم کاربرد گسترده این مفهوم در قرآن، هنوز پژوهش جامعی به تحلیل نظام‌مند مؤلفه‌های معنایی آن و نسبتش با مفهوم کلی «دین» نپرداخته است. مطالعه مقدماتی نشان می‌دهد که صراط مستقیم در قرآن دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از سایر واژگان مرتبط مانند «سبیل»، «طریق» و «منهاج» متمایز می‌سازد. این تمایزات در سه سطح قابل بررسی است:

۱ـ۱. در سطح مفهومی: «صراط مستقیم» هم به جنبه‌های ثابت (حقایق) و هم به ابعاد پویای دین (روش‌ها) اشاره دارد.

۱ـ۲. در سطح کارکردی: این مفهوم قابلیت بی‌نظیری در ایجاد وحدت در عین تنوع دارد.

۱ـ۳. در سطح ساختاری: «صراط مستقیم» شبکه معنایی غنی‌تری نسبت به سایر واژگان حوزه «دین» دارد.

این پژوهش با توجه به خلأهای علمی بازگو شده، در پی پاسخ به پرسش‌های اساسی ذیل است:

۱. مؤلفه‌های اصلی تشکیل دهنده معنای «صراط مستقیم» در قرآن کدامند؟

۲. چگونه این مؤلفه‌ها در تعامل با یکدیگر، تصویری جامع از «دین» ارائه می‌دهند؟

۳. چه نسبتی بین این مفهوم و «سبیل» که از واژگان جانشین «دین» در قرآن است؛ وجود دارد؟

۲. مقدمه

۲-۱. پیشینه و نوآوری

بررسی پیشینه پژوهش‌های مرتبط با صراط مستقیم نشان می‌دهد این مفهوم کانونی،

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

همواره محور توجه اندیشمندان اسلامی بوده است که هر یک از زاویه‌ای خاص به این موضوع پرداخته‌اند. این مطالعات را می‌توان در چند محور اصلی دسته‌بندی نمود:

مطالعات عرفانی: همچون کتاب «صراط مستقیم» تألیف محمد حسن وکیلی و مقاله دیدگاه تفسیری صدر المتألهین درباره صراط و صراط مستقیم (نشریه علمی مطالعات تفسیری/ سال ۱۰ـ پاییز ۹۸، شماره ۱۱۷/۳۹ـ۱۲۶) با تمرکز بر سیر و سلوک انفسی، به بعد باطنی «صراط مستقیم» پرداخته است. مطالعات مصداقی: از جمله مقاله «معنا و مصداق صراط مستقیم در قرآن و روایات» که بر شناسایی مصادیق خارجی این مفهوم متمرکز شده است. (اسدالهی دماوندی منصوره/ شاهرودی محمدرضا، کنفرانس ملی چارسوی علوم اسلامی، ۱۳۹۴ـــــــ شماره ۱)، مطالعات لغوی: پژوهش‌هایی مانند: مقاله «معنا و ویژگی‌ها و مصادیق صراط مستقیم در قرآن کریم» که به گردآوری و توصیف کلیات معنایی صراط مستقیم براساس منابع لغوی و تفسیری اکتفا نموده‌اند. (دکتر قاسم بوستانی. نشریه بینات/ سال هفدهم)، مطالعات تطبیقی و کلامی: مطالعاتی در باب پلورالیسم و وحدت صراط مستقیم (مقاله صراط‌های مستقیم نوشته عبدالکریم سروش، ۲/۱۳۷۶ـ۱۶)، مطالعاتی در باب سلوک صراط مستقیم مانند: کتاب صیرورت انسان بر صراط مستقیم نوشته عبدالحمید دیالمه و یا در باب مقایسه صراط مستقیم با راه‌های دیگر «کتاب صـــــراط مستقیم» (عامر ظاهرشیخی، احمد بن شهاب الدین حرانی، مترجم: عبدالله‌زاده احسان) و مواردی دیگر از این قبیل به نگارش درآمده‌اند؛ با وجود این مطالعات خلأهای پژوهشی زیر قابل توجه است:

۱. خلأ مفهومی: عدم ارائه نظام جامع از مؤلفه‌های معنایی صراط مستقیم در قرآن

۲. خلأ کارکردی: عدم تبیین ظرفیت این مفهوم برای جایگزینی واژه «دین»

۳. خلأ روش‌شناختی: نبود تحلیل سیستمی که ارتباط این مؤلفه‌ها را با سه سطح کلان «ساحت‌شناختی (چیستی)، ساحت اکتسابی (عوامل هدایت) و ساحت مصداقی (نمونه‌های عینی)» بررسی کند.

این پژوهش متکفل بررسی کاستی‌ها و خلاءی که در این زمینه بوده، شده است و در

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

نظـر دارد با پر کردن این خلأها، گامی نو در مطالعات قرآنی بردارد. از ایـن حیـث بـه دنبال اثبات فرضیه «صراط مستقیم نه تنها یکی از مفاهیم دینی، بلکه الگویی کامل برای بازتعریف دین در چارچوب قرآن، با وجوه تمایز (تصویر پویا از هدایت با تاکید بر سیر تحولی و قابلیت سنجش عینی» است. نوآوری اصلی این تحقیق در ترکیب روش‌های معناشناختی با تحلیل تفسیری و سیاقی آیات و ارائه چارچوب نظام‌مند برای تبیین جایگاه «صراط مستقیم» در منظومه مفهومی قرآن است. در این راستا، به کار گیری رهیافت‌های نوین تحلیل متن به ویژه رهیافت‌های «علـم معناشناسی» می‌تواند افق‌های تازه‌ای در این پژوهش بگشاید.

۲ـ۲. مفاهیم نظری

«معناشناسی» به عنوان دانش بررسی نظام‌مند معنا درزبان های انسانی است که ارتباط میان واژه و معنا را با تمرکز بر رابطه بین دلالت کننده‌ها (لغات، عبارات، علائم و نشانه‌هـا) تبیین می‌نماید. این علم به سه شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

۲ـ۲ـ۱. معناشناسی فلسفی: که به بررسی رابطه میان مصداق و مفهوم، طبیعـی یـا قراردادی بودن دلالت لفظ بر معنا و وجود عینی و ذهنی پرداخته و برآن است تا نشان دهد زمانی که یک واژه به کار برده می‌شود مخاطب از آن چه معنایی درک می‌کند.

۲ـ۲ـ۲. معنا شناسی منطقی: شاخه‌ای است که با تفسیر صوری گزاره‌ها، به تحلیل شرایط صدق آنها با ارجاع به جهان خارج پرداخته و صحت یا سقم عبـارات را براسـاس انطباق با واقعیت تعیین می‌کند.

۲ـ۲ـ۳. معناشناسی زبانی: شاخه‌ای است که با تمرکز بر خود نظام زبـانی و بـدون اتکا به دانش برون زبانی، به کشف اصول و ضوابط تعیین معنا در واحد زبانی مـی‌پـردازد. این رویکرد، چگونگی کارکرد ذهن در استخراج معنا از طریق ساختارهای درونی، زبان را مورد بررسی قرار می‌دهد (محمد رکعی ـ شعبان نصرتی، ۴۲).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

۲ـ۳. تحلیل لغوی واژه‌های «صراط» و «مستقیم»

درک عمیق مفهوم «صراط مستقیم» مستلزم بررسی دقیق دو واژه کلیدی «صراط» و «مستقیم» از منظر لغوی و تفسیری است. واژه «صراط» در لغت عرب به معنای «راه روشن، مستقیم و هموار» آمده است؛ راهی که انسان را بی‌انحراف و مانع به مقصد می‌رساند. این واژه از ریشه ثلاثی «صرط» مشتق شده و بنا بر نظر ابن فارس، ریشه آن دلالت بر «بلعیدن چیزی به صورت کامل» دارد (ابن فارس، ۳۶۸/۳). راغب «صراط» را به معنای راه سهل العبور و راه هموار که انسان را به مقصود می‌رساند تعریف می‌کند (راغب، ۴۷۵). ابن منظور در لسان العرب،آن را «راهی واضح و بی انحراف» و خاص‌تر از «طریق» دانسته است (ابن منظور، ۳۰۰/۷). طریحی عبارت «صراط المستقیم» را به معنی (دین حق) دانسته است که خدا غیر از آن را از بندگانش نمی‌پذیرد. وی وجه تسمیه دین به صراط را در آن می‌داند که دین رهرو خود را به بهشت می‌رساند همانگونه که راه، رهرو خود را به مقصد می‌رساند (طریحی، ۲۵۹). در کنار آن، واژه «مستقیم» که به عنوان صفت واژه «صراط» به کار رفته است از ریشه «ق وم» و از باب استفعال مشتق شده است. ریشه «ق و م» در لغت، دلالت بر ایستادگی، استواری و پایداری دارد (ابن فارس، ۹۹/۵). راغب نیز «استقامت» را به معنای «التزام به راه مستقیم و هموار بدون انحراف» تعریف کرده است و آن را معادل «اعتدال تام» می‌داند (مفردات، ۴۴۱). زبیدی «مستقیم» را به معنی بدون کجی و همچنین دوام و پایداری و استمرار بر طریقت در نظر گرفته است (زبیدی، ۵۹۸/۱۷). با در نظر گرفتن این دو تحلیل واژگانی، ترکیب «صراط مستقیم» در قرآن به معنای راه روشن، پایدار، بدون انحراف، و منتهی به حقیقت است. کاربرد این ترکیب در بافت متنوعی از آیات، نشان‌دهنده گستره معنایی و جایگاه هستی‌شناختی آن در نظام قرآنی است. از منظر معناشناسی کاربردی، «صراط مستقیم» برخلاف واژه‌هایی نظیر «طریق» یا «سبیل» نه صرفاً مسیر فیزیکی، بلکه مفهومی است که میان سه حوزه محوری «جهت‌گیری فکری (اعتقاد)، سلوک عملی و اخلاقی (عمل) و نظام معنایی (دین)» پیوند

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

برقرار می‌کند. شاهد بر این نظر آیاتی هستند که در آن‌ها «صراط مستقیم» با تعابیری چون «دین الله»، «سبیل الله» و حتی «اسلام» هم افق معنایی شده است (الشوری، ۵۲، الأنعام، ۱۵۳). نکته مهم در تحلیل مفهومی این ترکیب، آن است که «صراط مستقیم» در قرآن و در آراء مفسران، نه فقط راهی برای هدایت، بلکه خود متن دین، محتوای دین و تجسم تاریخی دین الهی است (طباطبایی، ۳۲/۱).

۳. جایگاه «صراط مستقیم» در هندسه مفاهیم محوری دین در قرآن

در مطالعات قرآنی، واژگان کلیدی همچون گره‌های معنایی عمل می‌کنند که پیرامون آن‌ها مفاهیم دیگر سازمان می‌یابند و شبکه‌ای از روابط معنایی شکل می‌گیرد. یکی از این واژگان محوری «صراط مستقیم» است. تکرار، تنوع سیاق‌ها، و نقش افزاری که این ترکیب در فرآیند هدایت انسان، تشریح دین و ترسیم مسیر ایفاء می‌کند، حکایت از آن دارد که این ترکیب فراتر از یک تعبیر استعاری یا صرفاً لفظی، حامل مفهومی بنیادین در هندسه معنایی قرآن است. با توجه به کاربردهای این مفهوم در قرآن، درمی‌یابیم که «صراط مستقیم» در بسیاری از بافت‌ها کارکردی هم عرض با مفاهیمی به شرح ذیل دارد و می‌تواند نقش جانشین این مفاهیم را ایفاء کند:

۳ـ۱. قرآن: طبرسی و میبدی در تفسیر سوره الأنعام[۱] قولی از ابن عباس نقل کرده‌اند که مراد از «صراط مستقیم» در این آیه، «قرآن» می‌باشد (طبرسی، ۱۰۴/۱؛ میبدی، ۴۸۲/۳).

۳ـ۲. اسلام: ابن حیان و طبرسی و ابن عاشور معنی «اسلام» را برای عبارت «صراط مستقیم» در تفسیرسوره البقره[۲] در نظر گرفته‌اند (ابن حیان، ۱۱/۲؛ طبرسی، ۱۰۴/۱؛ ابن عاشور، ۱۱۸/۱).

۳ـ۳. دین: از جمله معانی عبارت «صراط مستقیم»، دین قیم می‌باشد. طبرسی و

---

۱. الأنعام، ۱۲۶: «وَ هذا صِراطُ رَبِّکَ مُسْتَقِیماً قَدْ فَصَّلْنَا الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَذَّکَّرُونَ»

۲. البقره، ۱۴۲: «سَیَقُولُ السُّفَهاءُ مِنَ النَّاسِ ما وَلاَّهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِی کانُوا عَلَیْها قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ یَهْدِی مَنْ یَشاءُ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیم»

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

شیخ طوسی در تفسیر سوره بقره[۱] و ابن عاشور در تفسیر سوره فاتحه[۲]، معنی عبارت «صراط مستقیم» را دین می‌دانند. شیخ طوسی وجه تسمیه دین و صراط را در رساندن به مقصد دانسته است (طبرسی، ۴۱۴/۲؛ ابن عاشور، ۱۸۸/۱؛ شیخ طوسی، ۵/۲).

۳ـ٤. راه و روش: از جمله معانی مطرح شده «صراط مستقیم»، راه وروش است. زمخشری این معنا را با توجه به سیاق آیات سوره الأنعام در تفسیر این سوره[۳] بیان کرده است (زمخشری، مقدمةالأدب، ۶۴/۶).

۳ـ۵. ایمان ثابت: علامه طباطبایی در تفسیر سوره آل عمران[۴] «صراط مستقیم» را از جانشینان مفهوم ایمان ثابت دانسته است (طباطبایی، ۵۶۶/۳).

۳ـ۶. عبادت: «صراط مستقیم» از جمله واژگان جانشین واژه «عبادت» در سوره یس[۵] است (طبرسی، ۴۲۷/۲۰).

۳ـ۷. سنت قدیم و ثابت الهی: در تفسیر سوره الأنعام[۶] «صراط مستقیم» مترادف «سنت قدیم و ثابت الهی» بیان شده است (مکارم شیرازی، ۴۳۷/۵).

۳ـ۸. حق: محمدجواد مغنیه در تفسیر سوره الأنعام[۷]، «صراط مستقیم» را از جانشینان و به عبارت دیگر از واژگان مترادف واژه «حق» می‌داند (مغنیه، ۲۵/۱).

٤. فرق «صراط» و «سبیل»

در تحلیل معناشناسی قرآنی، بررسی واژگان قریب المعنی، یکی از روش‌های شناخته شده برای فهم دقیق‌تر مفاهیم کلیدی است. در هندسه معنایی قرآن، واژگان مرتبط با مسیر

---

۱. البقره، ۱۴۲: «سَیَقُولُ السُّفَهاءُ مِنَ النَّاسِ ما وَلاَّهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِی کانُوا عَلَیْها قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ یَهْدِی مَنْ یَشاءُ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیم»

۲. الفاتحه، ۶: «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیم»

۳. الأنعام، ۱۲۶: «وَ هذا صِراطُ رَبِّکَ مُسْتَقِیماً قَدْ فَصَّلْنَا الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَذَّکَّرُونَ»

۴. آل‌عمران، ۱۰۱: وَکَیْفَ تَکْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تُتْلی عَلَیْکُمْ آیاتُ اللَّهِ وَ فِیکُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِیَ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ.

۵. یس، ۶۱: وَ أَنِ اعْبُدُونِی هذا صِراطٌ مُسْتَقِیمٌ.

۶. الأنعام، ۱۲۶: «وَ هذا صِراطُ رَبِّکَ مُسْتَقِیماً قَدْ فَصَّلْنَا الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَذَّکَّرُونَ»

۷. الأنعام، ۱۱۶: وَ إِنْ تُطِعْ أَکْثَرَ مَنْ فِی الْأَرْضِ یُضِلُّوکَ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ إِنْ یَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلاَّ یَخْرُصُونَ.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

و حرکت نظیر «صراط»، «سبیل»، «طریق»، «منهاج»، نقش‌های معناشناختی متفاوت اما مرتبطی دارند. از این میان، دو واژه «صراط» و «سبیل» بیشترین حضور مفهومی و بیشترین برخورد سیاقی را دارا هستند. و تقابل آنها در نظام واژگانی قرآن، کلیدی در فهم ساختار هدایت و ضلالت به‌شمار می‌رود. این دو واژه، در عین تشابه معنایی در کارکرد قرآنی خود، تفاوت‌های بنیادینی از منظر تحلیل لغوی، سیاق، هدفمندی و کاربرد دارند؛ که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

٤ـ١. تفاوت‌های لغوی: «صراط» از ماده «ص ر ط» به معنای بلعیدن و هموار کردن است که در معنی «راه واضح و آشکار» به‌کاررفته است که همیشه مفرد به کار رفته است و دلالت بر راهی گسترده و بدون انحراف می‌کند (ابن‌منظور، ۳۲۱/۷). «سبیل» از ماده «س ب ل» به معنای روان کردن است که در معنی آنچه انسان در آن سیر می‌کند به کار رفته است و دلالت بر مسیر های متعدد دارد و قابل اطلاق بر حق و باطل است و اشاره بر قابلیت انتخاب با اراده انسان دارد (زبیدی، ۴۲۳/۱۸).

٤ـ٢. تفاوت‌های سیاقی: «صراط» معمولا در سیاق توحیدی «وأنَّ هَـذا صـراطی مستقیماً فاتَّبعوه» (الأنعام، ۱۵۳) و سیاق دعایی «إهدنا الصراط المستقیم» (الفاتحة، ۶) به کار می‌رود و بیانگر مسیر واحد و منحصر الهی است. اما «سبیل» معمولاً در سیاق تربیتی (ادعُ إلی سَبیل ربِّک بالحکمة) و سیاق تقابلی «وَلا تَتَّبِعوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُم عن سَبیلِه» (الأنعام،۱۵۳) به کاررفته و نشان دهنده امکان انتخاب و ناظر به روش‌های متنوع تبلیغ است.

٤ـ٣.آراء مفسران: «صراط» راهی است یگانه که تعدد نمی‌پذیرد (زمخشری، ۱۸۹/۱). صراط بیانگر چارچوب کلی و ثابت هدایت الهی و معادل دین حق است (ابن عاشور، ۴۵۶/۱) ناظر به اصول اعتقادی و ارزش‌های بنیادین و دارای ماهیت انحصاری و یکتا است (طباطبایی، ۳۸۶/۷). ولی واژه «سبیل»، ناظر به فروع عملی و رفتاری و نشان دهنده روش‌های متنوع اجرایی است (طوسی، ۴۵۶/۲). اعم از راه خیر و راه شر و دارای ماهیت تکثیری و انتخابی است (آلوسی، ۳۲۵/۱) همچنین ناظر به جزئیات اجرایی است (شهید صدر،۱۲۳).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

٤ـ٤. تحلیل کارکردی: از نظرعملکرد معنـایی در نظـام قرآنـی، «صـراط» کـارکرد هدایت محور، غایت‌گرانه و وحدت آفرین دارد (البقره،۲۱۳) و بـا مفـاهیمی چـون قـرب، توحید و قیمومیت پیوند دارد (طباطبایی، ۲۴/۱). در مقابل «سبیل» کارکردی چند وجهـی و آزمایشی دارد و با مفاهیمی چون اختیار، امتحان، حق و باطل، و تکثر در ساحت هدایت یا ظلالت پیوند می‌خورد (الأنعام، ۱۵۳). همچنین کارکرد «سبیل» در قـرآن تـابع انتسـاب است؛ چنان‌که گاه با خود در تقابل قرار می‌گیـرد (النسـاء، ۷۶) از ایـن‌رو سـبیل مفهـومی سیال، چند لایه و ذو مراتب است (ابن عاشور، ۱۵۶/۵). گاه این دو واژه در کارکرد تقابلی در ساختار هدایتی واقع می‌شوند (الأنعام، ۱۵۳) در این صورت «صـراط» محـور سـاختار هدایت قرار می‌گیرد و «سبل» به مثابه راه‌های فرعی است که خـروج از صـراط را رقـم می‌زنند (طباطبایی، ۲۳۵/۷ـ۲۳۶).

۵. دسته‌بندی آیات ناظر به «صراط مستقیم» در هندسه معنایی قرآن

در بررسی نظام‌مند آیات مربوط به «صراط مستقیم» در قرآن، می‌توان آنها را براسـاس محتوا و بافتار به سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

۵ـ۱. آیاتی که در آنها عبارت «صـراط مسـتقیم» بـا اسـم اشـاره«هـذا» همنشین شده است: در متن این آیات پس از بیان اوامر و نواهی چند، امتثال به آنهـا صراط مستقیم خوانده شده اسـت؛ و ۸ بـار (آل‌عمـران، ۵۱، الأنعـام، ۱۲۶، الأنعـام، ۱۵۳، الحجر، ۴۱، مریم، ۳۶، یس، ۶۱، الزخرف، ۶۱ و الزخرف، ۶۴) در قرآن بسامد دارند. ایـن آیات نشان می‌دهند که صراط مستقیم مفهومی انتزاعی نیست، بلکه مسیری قابل تشـخیص و تبیین شده توسط خداوند است.

۵ـ۲. آیاتی که چیستی «صـراط مسـتقیم» را تبیـین مـی‌کننـد: ایـن آیـات ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های صراط مستقیم را بیان می‌کنند.

۵ـ۳. آیاتی که بیانگر عوامل هدایت به صراط مستقیم هستند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

۶. مصادیق صراط مستقیم

۶ـ۱. خدای تعالی: خداوند حقیقتی است که صراط مستقیم به سوی او و مطابق با اراده اوست.آیه «... إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» (هود، ۵۶) بیانگر آن است که خداوند به عنوان پروردگار هستی، بر مسیری کاملا استوار و عاری از هرگونه انحراف تکوینی یا تشریعی مستقر است. این عبارت نه تنها بر کمال عدالت و حکمت الهی دلالت می‌کند، بلکه مبنایی برای تعریف «صراط مستقیم» است. تفاوت بر «صراط مستقیم» بودن خدا با بر «صراط مستقیم» بودن انسان در این است که انسان «در» صراط مستقیم با هدایت الهی حرکت می‌کند «اهدناالصراط المستقیم» (الفاتحة، ۶) اما خداوند «بر» آن مستقر است. دیگر آنکه برای انسان، «صراط مستقیم» مسیر اکتسابی است ولی برای خداوند، صراط مستقیم، «صفت ذاتی» است که مبنای هدایت دیگران است.

۶ـ۲. پیامبرخاتم و سایر پیامبران: پیامبران به عنوان مصادیق عینی صراط مستقیم در قرآن مطرح شده‌اند. گاه این مفهوم به صورت مستقیم بیان شده است مانند: «فَاسْتَمْسِکْ بِالَّذِی أُوحِیَ إِلَیْکَ إِنَّکَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» (الزخرف، ۴۳) وگاه به شکل غیرمستقیم با بیان ویژگی‌های آنها به عنوان: اسوه عملی «لقد کان لکم فی رَسولِ الله اسوةٌ حسنةٌ» (الأحزاب، ۲۱)، یا مفسر وحی «وأنزلنا إلیک الذِّکر لتبیّنَ للنّاس...» (النحل، ۴۴) یا با معرفی آنها به عنوان واسطه فیض الهی برای هدایت بشر «وَ کیفَ تکفرونَ وأنتم تُتلی عَلیکُم آیات الله وَ فیکم رَسُوله...» (آل‌عمران، ۱۰۱)، به این مفهوم اشاره شده است.

۶ـ۳. اهل ایمان: اهل ایمان به دلایل متعددی در قرآن و سنت به عنوان مصداق عینی صراط مستقیم در قرآن معرفی شده‌اند: «... وَ إِنَّ اللَّهَ لَهادِ الَّذِینَ آمَنُوا إِلی‌صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» (الحج، ۵۴). علامه طباطبایی بر این نظر است که «صراط مستقیم» تنها یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه مومنان خود عین «صراط مستقیم» هستند و این امر در زندگی عملی آنها متجلی شده است (المیزان، ۴۵/۱).

۶ـ۴. نعمت داده شدگان: در تفسیر عبارت «صِراطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ ...»

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

(الفاتحه، ۷) باتوجه به آیه۶۹ سوره نساء به چهار گروه خاص (انبیـاء، صـدیقین، شـهداء و صالحان) اشاره شده است این گروه‌ها دارای ویژگیهای مشترکی هستند که آنها را به عنوان مصادیق عینی صراط مستقیم معرفی می‌کند از جمله: اخـلاص در عبـادت «ومـا امـروا الّـا لیعبدوا الله مخلصین له الدّین...» (البینه، ۵)، عمل صالح مستمر «الذّین آمنوا و عملوا الصالحات ...» (البقرة، ۲۵) (طباطبایی، ۴۳/۱).

۶ـ۵. امام مفروض الطاعه: در کتاب بحار الأنوار حدیثی از امام رضا (ع) در شان منقبت امیرمومنان امام علی(ع) به شرح ذیل آمده است: «عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ رَسُـولُ اللَّهِ (ص) لِعَلِيٍّ (ع): يَا عَلِيُّ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَنْتَ بَابُ اللَّهِ وَ أَنْتَ الطَّرِيقُ إِلَـى اللَّـهِ وَ أَنْـتَ النَّبَأُ الْعَظِيمُ وَ أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُستَقِيمُ وَأَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى» (محمدباقر مجلسی، ۴/۳ باب ۲۵)

۶ـ۶. دین اسلام: در آیات متعددی از قرآن دین اسلام به عنوان مصداق اتم «صراط مستقیم» معرفی شده است. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۷ سوره الفاتحة بیان کرده اسـت اسلام، «صراط مستقیم» است زیرا جامع بین حقیقت و شـریعت اسـت» (المیـزان، ۴۵/۱). شیخ طوسی نیز در تفسیر همین آیه، یکی از مصـادیق «صـراط مسـتقیم» را دیـن اسـلام معرفی کرده است (شیخ طوسی، ۴۳/۱). دین اسلام به دلایل دارا بودن تمـام ویژگـی‌هـای صراط مستقیم از جمله: خاتمیت و جهان شمولی (المائده، ۳)، عدم تحریف و حفظ توسـط خداوند (الحجر، ۹) وجامعیت در تمام ابعاد زندگی مصداق صراط مستقیم است.

۶ـ۷. قرآن: قرآن کریم به عنوان کلام الهی، کاملترین تجلی «صراط مسـتقیم» اسـت. آیات قرآن خود گواه این مطلب هستند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه صـریح هـدایتگری قرآن: «انَّ هَذا القُرآن يَهدِي لِلَّتي أقـوم...» (الأسراء، ۹)، بـر ایـن نظـر اسـت کـه «قـرآن بـه استوارترین راه هدایت می‌کند که همان صراط مستقیم اسـت» (طباطبـایی، ۹۴/۱۳). شـیخ طوسی در تفسیر خود قرآن را به عنوان یکی دیگر از مصادیق صراط مستقیم معرفی کـرده است. (شیخ طوسی، ۲۶/۱۰)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

۷. عوامل هدایت به صراط مستقیم

در منظومه معرفتی اسلام، دستیابی به صراط مستقیم به عنوان والاترین هدف حیات انسانی مطرح است. در این بخش از پژوهش به مهمترین عوامل هدایت به «صراط مستقیم» پرداخته می‌شود.

۷ـ۱. قرآن: قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت الهی، مهمترین نقش را در نشان دادن «صراط مستقیم» به انسانها دارد. دو آیه کلیدی در این زمینه، آیه ۱ سوره ابراهیم و آیه ۹ سوره الأسراء هستند که به خوبی جایگاه قرآن را در هدایت بشر تبیین می‌کنند.

الف. «الر کِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَیْکَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلی صِراطِ الْعَزِیزِ الْحَمِیدِ» (ابراهیم، ۱) آیه ۱ سوره ابراهیم که بیانگر هدف اساسی رسالت پیامبر (ص) است از قرآن به عنوان عامل هدایت به صراط عزیز حمید که همان «صراط مستقیم» است؛ یاد می‌کند (طباطبایی، ۲۶۲/۱۰).

ب. «إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَهْدِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ ...» (الأسراء، ۹) این آیه قرآن را هدایتگری معرفی می‌کند که نه تنها به راه راست بلکه به «استوارترین راه» رهنمون می‌شود. علامه طباطبایی بیان می‌کند: این قرآن هدایت می‌کند به سوی دینی که «اقوم» از هر دین و مسلط‌تر بر اداره امور بشر است. ایشان با مقایسه این آیه با آیه «قُلْ إِنَّنِی هَدانِی رَبِّی إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ دِیناً قِیَماً مِلَّةَ إِبْراهِیم...» (الأنعام، ۱۶۱) نتیجه می‌گیرد، قرآن عامل هدایت به «صراط مستقیم» است، صراط مستقیمی که خود دین است (طباطبایی، ۶۲/۱۳).

۷ـ۲.تمسک به خدا: تمسک به خدا «إعتصام بالله» در قرآن «... مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِیَ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» (آل‌عمران، ۱۰۱)

به عنوان عامل اساسی هدایت به «صراط مستقیم» مطرح شده است. مطالعه آراء مفسران نتایج ذیل را دربردارد:

۷ـ۲ـ۱. هدایت به «صراط مستقیم» نتیجه طبیعی اعتصام به خداست، زیرا «صراط مستقیم» همان راه فطرت، توحید و اطاعت از خداست (طباطبایی،۵۶۵/۳).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

۷ـ۲ـ۲. «صراط مستقیم» در این آیه دینی است که بر پایه توحید و اخلاص استوار است (ابن عاشور، ۱۷۲/۳).

۷-۳. کسب رضایت خدا: کسب رضایت خدا در آیه «یَهْدِی بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوانَهُ سُبُلَ السَّلامِ...وَ یَهْدِیهِمْ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» (المائده، ۱۶) به عنوان یکی از عوامل بنیادین هدایت به «صراط مستقیم» معرفی شده است از دیدگاه مفسران، رضایت خداوند نه فقط هدف نهایی بندگی است، بلکه راهی برای رسیدن به صراط مستقیم نیز هست و مقصد نهایی آن، قرب الهی است (طباطبایی، ۳۹۹/۵؛ ابن عاشور، ۶۸/۵).

۷-٤. شکر: شکر نعمت‌های الهی، در منطق قرآن به عنوان عامل دیگر هدایت به «صراط مستقیم» است. این مفهوم در آیه «شاکِراً لِأَنْعُمِهِ اجْتَباهُ وَ هَداهُ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» (النحل، ۱۲۱) به طور صریح مطرح شده است. این آیه یک سیر منطقی ترسیم می‌کند. که در آن شکرگزاری زمینه ساز انتخاب الهی (اجتباء) و متعاقباً هدایت به صراط مستقیم است. این آیه نشان می‌دهد: شکرگزاری عامل ایجاد ظرفیت برای هدایت الهی، زمینه‌ساز حرکت در مسیر درست و نوعی آماده‌سازی وجودی برای دریافت عنایات الهی است.

۷-۵. ایمان: مفهوم «ایمان» در قرآن به عنوان باور قلبی است و نقش نیروی جهت دهنده به زندگی و رفتار انسان را ایفاء می‌کند. در آیه «وَ لِیَعْلَمَ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ فَیُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهادِ الَّذِینَ آمَنُوا إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» (الحج، ۵۴) نظام سلسله مراتب بودن هدایت به «صراط مستقیم» طی فرآیندی چهار مرحله‌ای ترسیم شده است. که در آن علم سبب شناخت حق، و شناخت حق باعث ایمان قلبی و ایمان منجر به خشوع قلب و عامل هدایت به «صراط مستقیم» است.

۷-۶. پیامبر: آیه «وَ کَذلِکَ أَوْحَیْنا إِلَیْکَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنا ما کُنْتَ تَدْرِی مَا الْکِتابُ وَ لا الْإِیمانُ وَ لکِنْ جَعَلْناهُ نُوراً نَهْدِی بِهِ مَنْ نَشاءُ مِنْ عِبادِنا وَ إِنَّکَ لَتَهْدِی إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» (الشوری،۵۲) با بیانی پر قدرت، پیامبر اکرم(ص) را حامل وحی و عامل هدایت به «صراط مستقیم» معرفی می‌کند. تحلیل آیه سازوکار هدایت به صراط مستقیم به واسطه پیامبر را

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

چنین ترسیم می‌کند: رسالت تبلیغی «وإنّک لتهدی» که بیانگر نقش فعال پیامبر در هدایت (مکارم شیرازی، ۳۴۵/۲۰)، رسالت تربیتی «نوراً نهدی» که بیانگر تاثیر وجودی پیامبر در پرورش نفوس (جوادی آملی، ۲۱۸/۹) و رسالت اجرایی«صراط مستقیم» که بیانگر نقش پیامبر در اقامه نظام الهی می‌باشد (رشید رضا، ۱۵۶/۹).

۷-۷. تسلیم در برابر اوامر الهی: در نظام هدایتی قرآن کریم، تسلیم در برابر امر الهی جایگاه محوری دارد.آیات ۶۶-۶۸سوره النساء «... وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا ما يُوعَظُونَ بِهِ لَكانَ خَيْراً لَهُمْ وَ أَشَدَّ تَثْبِيتاً وَ إِذاً لَآتَيْناهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْراً عَظِيماً وَ لَهَدَيْناهُمْ صِراطاً مُسْتَقِيماً»، الگوی قرآنی «تسلیم راهبردی» را به عنوان عامل هدایت تبیین می‌کند. ابعاد تسلیم مطرح شده در آیه شامل: بعد معرفتی در درک حاکمیت الهی و پذیرش ولایت تشریعی خدا (طباطبایی، ۳۸۵/۴)، بعد قلبی، ناشی از رضایت درونی به قضای الهی و اطمینان به حکمت پروردگار (مکارم شیرازی، ۴۵۶/۳) و بعد عملی، در اجرای بدون قید و شرط اوامر الهی با پایبندی به حدود شرعی (جوادی آملی، ۲۳۴/۵) است.

۷-۸. صبر در امتحان الهی: در آیات قرآن گاه مفهوم «صبر» به صورت ضمنی و محوری، عنصری راهبردی در تحقق وعده‌های الهی و هدایت به «صراط مستقیم» معرفی شده است. در آیه «وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَها فَعَجَّلَ لَكُمْ هذِهِ وَ كَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَ لِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ يَهْدِيَكُمْ صِراطاً مُسْتَقِيماً» (الفتح،۲۰) واژه صبر گر چه به صورت لفظی نیامده است، اما بستر تاریخی و تفسیری آن، صبر پیش شرط تحقق وعده الهی و زمینه ساز هدایت به صراط مستقیم معرفی شده است. از نظر علامه طباطبایی هدایتبه صراط مستقیم در این آیه هدایت خاص تشریعی ـ توفیقی است. که پس از صبر و ایمان در صحنه سخت آزمایش الهی حاصل شده است (طباطبایی، ۲۹۴/۱۸).

۸. مؤلفه‌های معنایی صراط مستقیم در قرآن

درک محوریت مفهوم «صراط مستقیم» در هندسه معرفتی قرآن کریم، نیازمند به

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

کارگیری روش‌های نوین تحلیل متن، از جمله تحلیل «مؤلفه های معنایی» است. مراد از «مؤلفه‌های معنایی»، شکستن یک مفهوم به کوچکترین عناصر تشکیل دهنده معنایی آن اعم از، همنشین‌ها و جانشین‌ها واژه و توجه به واژگان متقابل آن است. این فرآیند، امکان تمایز دقیق میان مفاهیم هم خانواده و ترسیم نقشه روابط آن‌ها را در یک شبکه معنایی فراهم می‌سازد. بر این اساس این پژوهش بر آن است تا با استخراج «مؤلفه‌های معنایی صراط مستقیم» از متن قرآن کریم به موشکافی این مفهوم بنیادین بپردازد.

۸-۱. قیمومیّت: در آیه «قُلْ إِنَّنِي هَدانِي رَبِّي إِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ دِيناً قِيَماً مِلَّةَ إِبْراهِيمَ حَنِيفاً وَ ما كانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (الأنعام، ۱۶۱)، عبارت«صراط مستقیم» مترادف «دین قیم» واقع شده است. در فهم این آیه واژه «قیم» نقش معنایی کلیدی ایفاء می‌کند. «قیّم» صیغه مبالغه از ریشه «ق و م» به معنای قوام دهنده، استوار و نگهدارنده است (راغب، ۶۹۵). از این‌رو «صراط مستقیم» نه صرفاً مسیری هموار، بلکه راهی دارای قیمومیت معنوی و تربیتی است که دین در آن نقش نگهدارنده فطرت، تنظیم کننده رفتار و سامان دهنده حیات انسان را به عهده دارد. «دین قیم» که در همنشینی معناداری با «صراط مستقیم» واقع شده است، در آیه فطرت «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها لا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُونَ» (الروم، ۳۰) و آیه «...ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُونَ» (یوسف،۴۰) به دقت توصیف شده است، براساس این آیات «دین قیم» دارای دو مؤلفه بنیادین است. نخست: دین قیم همان دینی است که با فطرت انسانها هماهنگی کامل دارد بنابراین تغییرناپذیر است. دوم، دین قیم، دین توحیدی است که فاقد تضاد درونی بوده بنابراین دچار تزلزل نمی‌شود و سراسر معارف آن حق است و ضلالتی در آن راه ندارد. از مجموع آیات قرآن استنباط می‌شود که «صراط مستقیم» معادل و در رابطه ترادفی با راه روشنی است که متصف به صفت «قیم» برای سالکان خویش است؛ و صفت «قیمومیت» را می‌توان به مثابه یک وجه معنایی بنیادین برای «صراط مستقیم» در نظر گرفت که دلالت بر، اقتدار تربیتی دین برای حفظ، هدایت و ارتقاء انسان در تمام ابعاد وجودی دارد؛

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

بنابراین «صراط مستقیم» راهی روشن، قوام بخش و نگهبان فطرت توحیدی انسان است که در تقابل معنایی کامل با راه‌های ناپایدار و منحرف قرار می‌گیرد.

۸-۲. اعتدال (صراط السویّ): مطالعه تطبیقی عبارت «صراط سویّ» در آیه «یا أَبَتِ إِنِّی قَدْ جاءَنِی مِنَ الْعِلْمِ ما لَمْ یَأْتِکَ فَاتَّبِعْنِی أَهْدِکَ صِراطاً سَوِیًّا» (مریم،۴۳) و آیه «قُلْ کُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ وَ مَنِ اهْتَدی» (طه، ۱۳۵) نشان می‌دهد که قرآن کریم گاهی از طریق جانشینی این عبارت با «صراط مستقیم» به تعریف این مسیر الهی می‌پردازد. لغت‌شناسان معنی اصلی واژه «سویّ» را اعتدال و حد وسط و دوری از افراط و تفریط دانسته‌اند. راغب در تحلیل مؤلفه‌های معنایی این واژه تأکید می‌کند که «سویّ» به معنای برخورداری از کیفیتی است که از هرگونه افراط و تفریط در اندازه و کیفیت به دور بوده و در رابطه ترادفی با واژگانی چون «تمام»، «راست» و «مستقیم» قرار می‌گیرد (مفردات، ۴۴۰). این تحلیل مؤید آن است که این واژگان دارای هم پوشانی مؤلفه‌های معنایی هستند. مفسران نیز بادرک این رابطه معنایی، عبارت «صراطاً سویّاً» را دقیقاً معادل و در موضع ترادف با عبارت «صراط مستقیم» دانسته‌اند. که سالک را به مقصد نهایی هدایت می‌کند. و بر این مطلب اذعان دارند که قرابت معنایی در این دو عبارت به گونه‌ای است که می‌توان این دو عبارت را در بسیاری از بافت‌های قرآنی به صورت جانشین یکدیگر به کار برد (گنابادی، ۷۸/۹؛ ابن عاشور، ۴۶/۱۶؛ مکارم شیرازی، ۴۵۷/۹؛ علامه طباطبایی، ۲۴۰/۱۴).

از بررسی آیات قرآن در کنار شواهد تفسیری می‌توان به این جمع‌بندی رسید که، قرآن کریم «صراط مستقیم» را به عنوان مسیری متوازن و معتدل ترسیم می‌کند که هم در سطح فردی (مریم، ۴۳) هم در سطح اجتماعی (طه، ۱۳۵) قابلیت تحقق دارد. بر این اساس، می‌توان «اعتدال» را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های معنایی بنیادین «صراط مستقیم» در شبکه مفاهیم قرآن به‌شمار آورد که در همنشینی با سایر مؤلفه‌هایی چون استقامت، حقانیت و هدایتگری، معماری معنایی این مفهوم کلیدی را تکمیل می‌کند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

۸-۳. یگانه بودن «صراط مستقیم»: با تحلیل معناشناختی شبکه مفهومی «صراط مستقیم» در قرآن کریم، مؤلفه «یگانگی» به عنوان یکی از ارکان بنیادین این مفهوم آشکار می‌گردد. قرآن کریم «صراط مستقیم» را نه در همنشینی با سایر راهها، بلکه در تقابل معنایی کامل با آنها، به عنوان مسیر یگانه هدایت الهی معرفی می‌کند. این پژوهش با استناد به آیه ۱۵۳ سوره الأنعام و با بهره‌گیری از آراء مفسران، به تبیین این مفهوم می‌پردازد که یگانگی «صراط مستقیم» هم ناشی از وحدت منشأ الهی آن است و هم به وحدت مقصد نهایی آن بازمی‌گردد.

در آیه «وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ ذلِکُمْ ...» (الأنعام، ۱۵۳) واژه «صراط» در تضاد معنایی با واژه «سُبُل» قرار گرفته است این آیه به صراحت، راه خدا را واحد و مستقیم می‌نامد و در مقابل، از پیروی «سُبُل» (راههای گوناگون گمراه کننده) نهی می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه تأکید می‌کند که «صراط مستقیم»، یک حقیقت وحدانی است که از آن به راه دین حق، توحید و عبودیت خالص یاد می‌شود طبق رأی ایشان مراد از «سُبُل» در این آیه، ادیان انحرافی و مذاهب باطل است که در تقابل چندگانه با آن حقیقت واحد قرار دارند (طباطبایی، ۵۲۵/۷). ابن عاشور در تفسیر این آیه، بر نشانه‌شناسی نحوی آن تأکید می‌ورزد و اشاره می‌کند که تعبیر مفرد «صراط» و جمع بودن «سُبُل» ناظر بر وحدت راه حق و کثرت راههای گمراهی است. (ابن عاشور، ۱۲۸/۷). می‌توان تحلیل ابن‌عاشور را به نوعی بیانگر یک قاعده معناشناسی در قرآن دانست. صنعت تضاد دوسویه‌ای (مفرد در مقابل جمع) که غیرمستقیم در این تحلیل مطرح شده خود گویای یک قاعده معناشناختی در قرآن است. که می‌توان از آن به نام «تکثر در مقابل وحدت» (واحد/ متکثّر) نام برد. با توجه به سیاق آیات قبل آیه ۱۵۳ سوره الأنعام، که غرض اصلی آنها بیان کلیات دین بوده است و بنابر نظر مفسران، وحدت صراط مستقیم تعبیری از یگانگی دین حق است (دین که همان راه و روشی است که خداوند دستور به پیمایش آن جهت نیل به سعادت اخروی داده است). همچنین اصل

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

وحدت در «صراط مستقیم» به عنوان روح تعلیمات اسلامی شناخته شده است (طبرسی، ۵۹۴/۴؛ مکارم شیرازی، ۵۰۹/۴؛ شیخ طوسی، ۳۲۰/۴، ابن عاشور، ۱۲۸/۷، طباطبایی، ۳۷۷/۷، آلوسی، ۱۸۹/۶). این تحلیل مؤید آن است که «یگانگی» یکی از مؤلفه‌های ذاتی و غیرقابل تفکیک از مفهوم صراط مستقیم به شمار می‌رود.

۸-٤. قرب حضور رهرو: در معارف قرآن«صراط مستقیم» نه تنها راهی برای پیمودن، بلکه بستری جهت رسیدن و وصال است. در تحلیل معناشناختی آیه «وَ اللَّهُ یَدْعُوا إِلی دارِ السَّلامِ وَ یَهْدِی مَنْ یَشاءُ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» (یونس، ۲۵)، همنشینی «صراط مستقیم» با مفهوم «دارالسلام» پرده از یکی از ناب‌ترین ابعاد این مفهوم برمی‌دارد که می‌توان از آن به مؤلفه معنایی «قرب حضور» تعبیر نمود. مؤلفه معنایی «قرب حضور» به عنوان جوهره حرکت در مسیر الهی در این آیه نمود پیدا کرده است. در این شبکه معنایی، «صراط مستقیم» صرفاً یک مسیر عبور نیست، بلکه خود بستری است که «وصال» را در ذات خود تحقق می‌بخشد. این آیه با به کارگیری دو واژه کلیدی «یدعوا» و «یهدی» ساختاری دو وجهی از رسالت قرآن ترسیم می‌کند. واژه (یدعوا) از ماده (دعاء) مانند «نداء» به معنای «کسی را با صدای بلند صدا کردن» است با این تفاوت که دعا «صدا کردن و خواندنی است که پیوسته با اسم طرف همراه باشد» (راغب، ۶۷۶/۱). واژه «یدعوا» با دارا بودن مؤلفه «عمومیت» آغازگر رابطه‌ای دو سویه بین خدا و انسان است. در ادامه فعل «یهدی» با برخورداری از مؤلفه معنایی اختصاص به واسطه همنشینی با «من یشاء» و مؤلفه «استمرار» به دلیل مطرح شدن در قالب صیغه مضارع، نقش فعالی در تحقق «قرب حضور» ایفاء می‌کند. در نهایت مفهوم «دارالسلام» به «معنای سلامت کامل و مطلق» با استناد به آیه ۱۲۷ سوره الأنعام که در آن عبارت دارالسلام به قید «عند ربهم» مقید شده است (طباطبایی، ۲۴۷/۲۰)، با حمل مؤلفه معنایی «وصال و کمال» در دل خود، غایت این مسیر معناشناسی را رقم می‌زند.

تحلیل مفهومی آیه ۲۵ سوره یونس «دار السلام» به مثابه «غایت قرب‌الی الله»:

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

دارالسلام مقام لقاء الله است که صراط مستقیم راه وصول به آن است (طباطبایی، ۱۲۳/۱۰). علامه طباطبایی با استناد به آیه ۱۲۷ سوره الأنعام که در آن عبارت «دارالسلام» مقید شده به قید (عند ربّهم) به این جمع بندی می‌رسد که اهل دارالسلام دارای قرب حضورند (المیزان، ۴۰/۱۰) و سلامتی حقیقی در سایه قرب الهی محقق می‌شود (فیض کاشانی، ۸۷/۵).

با توجه به تحلیل آیه ۲۵ سوره یونس، ساز و کارهای قرب آفرین صراط مستقیم شامل:

الف. تذکر دائمی: که واژه «یدعوا» به معنای دعوت مستمر، به آن اشاره دارد.

ب. هدایت ویژه: که با عبارت «یهدی من یشاء» به معنای عنایت خاص، به آن تصریح شده است (فخر رازی، ۴۵/۱۷).

از آنچه گذشت، این پژوهش با به کارگیری روش تحلیل مؤلفه‌های معنایی و کاووش در تفاسیر، به کشف معماری مفهوم «قرب حضور رهرو» برگرفته از آیه ۲۵ سوره یونس نائل آمد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که صراط مستقیم در منظومه معناشناختی قرآن، مسیری یک سویه و خطی نیست، بلکه فضایی پویا و چند بعدی برای تحقق تدریجی قرب الهی است. در این شبکه مفهومی سه بعدی، «دعوت» به عنوان بستر عام، «هدایت» به معنای مجرای خاص، و «دارالسلام» به‌عنوان غایت کمال بخش، زنجیره منسجمی را تشکیل می‌دهند که در آن «قرب حضور» به صورت فرآیندی سیال محقق می‌گردد. در نتیجه «قرب حضور رهرو» مؤلفه‌ای از مؤلفه‌های معنایی صراط مستقیم در قرآن کریم است.

۸-۵. عبودیت و بندگی (اطاعت)

با تحلیل معناشناختی شبکه مفهومی «عبودیت» در قرآن کریم، این مؤلفه به عنوان جانمایه «صراط مستقیم» شناسایی می‌گردد. واژه عبادت که از ریشه «عبد» مشتق شده است، در بردارنده مؤلفه‌های معنایی «اظهار فروتنی» و «طاعت» و «فرمانبرداری» است. از منظر معناشناسی تقابلی این مفهوم در دوگونه اصلی قابل بررسی است. نخست، «عبادت

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

اختیاری» که مختص صاحبان نطق است و مامور به آنند. این نوع عبادت حامل مؤلفه‌های معنایی «آگاهی» و «انتخاب» است «اعبدوا ربکم» (البقرة، ۲۱)، و«عبادت قهری» که طبق آیات قرآن حامل مؤلفه‌های «جبر» و «عمومیت» است «ان کل من فی السماء و الارض الّا آتی الرحمان عبدا» (مریم،۹۳) (راغب، ۵۴۲). در منظومه معناشناسی قرآن، «عبودیت و بندگی»، در همنشینی با «صراط مستقیم» قرار گرفته است و به مثابه روح حاکم بر این مسیر تلقی می‌شود. این پیوند معنایی در قرآن کریم در سه سطح زبانی نمایان گشته است. نخست، ساختار روایی: این مضمون گاه از زبان پیامبرانی همچون حضرت عیسی(ع) «وَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّی وَ رَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ هذا صِراطٌ مُسْتَقِیمٌ» (مریم، ۳۶) نقل شده، دوم، ساختار امری: به صورت دستور مستقیم خداوند خطاب به انسانهاست «وَ أَنِ اعْبُدُونِی هذا صِراطٌ مُسْتَقِیمٌ» (یس، ۶۱) «وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِیَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ حُنَفاءَ ...» (البینة، ۵) و سوم، ساختار غایت‌شناسی: که به عنوان مأموریت وجودی انسان مطرح شده است. در واقع اوج تجلی این مفهوم در این ساختار است که در آن «عبودیت» به‌عنوان غایت آفرینش معرفی می‌شود. در این بافت، عبودیت از سطح یک عمل عبادی فراتر رفته و به مؤلفه‌ای وجودی با مؤلفه‌های «هدفمندی» و «وجود ذاتی» تبدیل می‌شود «وما خلقت الجن والإنس إلّا لیعبدون» (الذاریات، ۵۶). معانی واژه عبادت و مشتقات آن در قرآن و گستره مفاهیم آن در علوم اسلامی به گونه‌ایست که تمام انسانها باهر درجه ایمان و حتی کفار «قل یا ایّها الکافرون لا اعبد ما تعبدون» (الکافرون، ۱) را در برمی گیرد. آنچه بین آنها تفاوت ایجاد می‌کند نوع معبود است.آیت الله جوادی آملی تعبیری زیبا در تعریف این واژه دارند: صراط مستقیم که گاهی به (صراط سوی) و مانند آن وصف می‌شود همان دین قیم الهی است که عهده‌دار هدایت انسانهاست و چون تبلور این دین در عبودیت و بندگی پروردگار عالم و تسلیم شدن در برابر اوست صراط مستقیم به عبودیت نیز تفسیر شده است جوادی آملی، ۹۳/۳). علامه طباطبایی ربوبیت الهی را مبنای عبودیت و عبودیت را تجلی صراط مستقیم می‌داند (طباطبایی، ۱۲۳/۱۴).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

پژوهش حاضر نشان می‌دهد «عبودیت»، نه تنها شرط ورود به «صراط مستقیم» است، بلکه تعریف قرآنی «صراط مستقیم»است. از نگاه قرآن و مفسران بزرگی همچون علامه طباطبایی «عبودیت» وجه جمع دین، توحید و اخلاص است. و «صراط مستقیم» راهی است که از هرگونه خود محوری و شرک گرایی خالی است. بنابراین عبودیت خالص، جوهره و مؤلفه بنیادین «صراط مستقیم» است.

۸-۶. تمسک به خدا: با تحلیل معناشناختی آیه «وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تُتْلى عَلَيْكُمْ آياتُ اللَّهِ وَ فِيكُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل‌عمران، ۱۰۱) شبکه‌ای از تقابل معنایی آشکار می‌شود که الگوی جامعی از هدایت قرآنی را ترسیم می‌نماید. این آیه با ایجاد تقابل معنایی میان دو حوزه معنایی «کفر» و «هدایت»، الگوی جامعی از هدایت قرآنی ارائه می‌داده معماری مفهومی «صراط مستقیم» را تبیین می‌نماید.

در نیمه اول آیه، با به‌کارگیری افعال انکاری و تعجبی، مؤلفه‌های معنایی حوزه کفر اعم از «ارتداد» و «انحراف» و «فاصله گرفتن وجودی» از طریق مطالعه ساختار زبانی و بافت موقعیتی آیه استخراج می‌شود. مؤلفه تعجب به‌طور مستقیم از ادات استفهام «کیف» استنباط می‌شود که در این بافت حامل بار معنایی شدید حیرت و شگفتی بوده و بیانگر غیر منتظره بودن عمل کفر در موقعیت تلاوت آیات و شرف حضور پیامبر (ص) در میان آنان است. و مؤلفه انکار از کل ساختار «کیف تکفرون» به عنوان یک استفهام انکاری استنباط می‌شود که در واقع برای نفی منطقی عمل کفر «رد عمل» به کار رفته است. مؤلفه «فاصله‌گیری» نیز از طریق تحلیل تضاد بافتی آیه شناسایی می‌شود؛ چرا که آیه از سویی به شرایط مساعد هدایت عام از تلاوت آیات الهی و حضور پیامبر اشاره دارد و از سویی دیگر به عمل کفرورزی که در تقابل کامل با این فضا قرار دارد. این تقابل، نشان دهنده فاصله گرفتن وجودی کافران از مرکز هدایت است. در نیمه دوم آیه، حوزه معنایی هدایت با محوریت مفهوم «اعتصام بالله» و مؤلفه‌های «تعلق وجودی» و «استمرار» و «ثبات» نمایان می‌گردد. این مؤلفه‌ها از قاعده کلی ارائه شده در متن آیه «مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلى

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» درک می‌شود. مؤلفه «تعلق وجودی» از مفهوم واژه «یعتصم» مشتق شده از ماده «عصم» به معنای «امساک یا نگه داشتن و حفظ کردن» (راغب، ۶۰۹/۲) فهمیده می‌شود. این فعل در تحلیل معناشناسی با توجه به ریشه فعلی حاوی مؤلفه‌های «تماس»، «اتصال» است. مؤلفه استمرار از صیغه مضارع «یعتصم» استنباط می‌شود که دلالت بر استمرار دارد. و مؤلفه ثبات از حرف جر «ب» در «بالله» و همچنین از نتیجه قطعی فعل «فقد هدی» استنباط شده است. حرف «ب» در اینجا دلالت بر استعانت و توسل جستن دارد که خود در این بافتار حامل مؤلفه «اتکا» و «پایداری» است چون به وجود ثابت «الله» متصل شده است. در این آیه، دو مسیر کاملا متضاد ترسیم شده است که حاصل تقابل «کفر» و «هدایت» است. علامه طباطبایی با تأکید بر تقابل معنایی موجود در آیه معتقد است که این آیه نشان می‌دهد که هرگونه فاصله گرفتن از خداوند، به منزله خروج از شبکه معنایی هدایت و ورود به حوزه معنایی کفر است. در مقابل «اعتصام بالله» به عنوان شرط لازم و کافی برای قرار گرفتن در «صراط مستقیم» است (طباطبایی، ۲۳۵/۳). نکته دیگر این آیه که «اعتصام بالله، نه یک عمل ظاهری، بلکه تمسک وجودی است» از تفسیر ابن عاشور پیرامون این آیه دریافت می‌شود، ایشان مراد از «اعتصام بالله» را، داشتن مؤلفه‌های «التزام کامل فکری»، «پایداری اخلاقی» و عملی به خداوند می‌داند که تنها در پرتو آن، هدایت به صراط مستقیم تحقق می‌یابد (ابن عاشور، ۱۷۸/۳). در پایان آیه، «صراط مستقیم» به عنوان ثمره تمسک به خدا معرفی شده است. که عبارت «فَقَدْ هُدِیَ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» بازگو کننده نتیجه مستقیم و قطعی تمسک به خدا است.

تحلیل معناشناختی این مؤلفه نشان می‌دهد که «صراط مستقیم» در گرو حفظ اتصال وجودی با خداوند است و هرگونه گسست از این ارتباط، به خروج از دایره معنایی هدایت منجر می‌شود. بنابراین از منظر مفهومی، تمسک به خدا یکی از ارکان و مؤلفه‌های بنیادین «صراط مستقیم» در قرآن است.

۸-۷. بیانگر کلیات دین: در قرآن کریم، «صراط مستقیم» مفهومی است که نه تنها

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

به مسیر هدایت و نجات فردی اشاره دارد، بلکه چارچوبی کلان برای تبیین حقیقت دین در ساحت عقیده، اخلاق و شریعت ارائه می‌دهد.آیات «قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلاَّ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ... وَ أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (الأنعام، ۱۵۱ـ۱۵۳) نمونه‌ای برجسته از این تبیین است. در این آیات، «صراط مستقیم» در همنشینی معناداری با مجموعه‌ای از احکام و اصول کلان دینی قرار گرفته است، از سطح یک مسیر فردی فراتر رفته است و به چارچوبی جامع برای تبیین حقیقت دین در ساحت‌های سه گانه عقیده (نفی شرک)، اخلاق (احسان، انصاف، پرهیز از فحشاء) و معاملات (اجتناب از قتل و ظلم، وفای به پیمان، عدالت در معامله) تبدیل شده است. بر پایه تحلیل ساختاری این آیات، سه مؤلفه معنایی «شامل بودن»، «نظام‌مندی» و «جامعیت» برای «صراط مستقیم» قابل استنباط است. مؤلفه «شامل بودن» از طیف گسترده موضوعات این آیه ـ آغاز با اصل بنیادین توحید سپس حقوق خانواده سپس احکام اقتصادی و اجتماعی و در پایان اصول اعتقادی و عبادی ـ استنباط می‌شود که نشان می‌دهد «صراط مستقیم» همه ابعاد زندگی بشر را در برمی‌گیرد. مؤلفه «نظام مندی» نیز از سلسله مراتب چینش منطقی احکام، از اصول اعتقادی تا فروع عملی، به دست می‌آید .این توالی معنادار بر «نظام مندی» این مسیر دلالت دارد. سرانجام، مؤلفه «جامعیت» از جمع‌بندی نهایی «وَ أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ» (الأنعام، ۱۵۳) استنباط می‌شود که در آن ضمیر «هذا» به همه احکام پیشین به مثابه یک کل یکپارچه اشاره دارد و در نهایت مؤلفه معنایی «کلّیت» را به صراط مستقیم نسبت می‌دهد. این تحلیل نشان می‌دهد مؤلفه‌های معنایی «صراط مستقیم» در بسیاری موارد، نه از واژگان منفرد بلکه از معماری کلان متن و روابط بینامتنی آیات استخراج می‌شود. علامه طباطبایی با درک این رابطه، این نکته را بیان می‌کند که «صراط مستقیم»، راهی است که خداوند از طریق این اوامر و نواهی کلان، معماری کرده است و تاکید دارد که این دستورات دهگانه بیانگر شاکله «صراط

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

مستقیم» هستند (طباطبایی، ۲۶۹/۷).ابن عاشور با دقت به جنبه ساختاری این آیات، آنها را در حقیقت یک بیانیه از کلیات دین می‌داند که پایبندی آیه به معرفی این مجموعه به عنوان صراط مستقیم، نشان می‌دهد که دین واحد الهی از ابتدا بر همین اصول استوار بوده است (ابن عاشور، ۲۹۹/۸).

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مؤلفه معنایی «بیانگر کلیات دین» در نقشه معناشناختی «صراط مستقیم»،آن را از یک مسیر فردی فراتر برده و به چارچوبی جامع برای حیات دینی تبدیل می‌کند.

۸ـ۸. اتمام حجت: در نظام هدایتی قرآن کریم «اتمام حجت» به عنوان مؤلفه‌ای بنیادین، زیرساخت منطقی و عقلانی «صراط مستقیم» را تشکیل می‌دهد. این مؤلفه تضمین می‌کند که هدایت الهی بر پایه امری تحکمی بنا نشده است، بلکه بر اساس از برهان‌های روشن و غیرقابل انکار استوار گشته است. به گونه‌ای که عذر برای گمراهی نمی‌ماند. برپایه تحلیل معناشناختی آیه «إِنَّ اللَّهَ رَبِّی وَ رَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ هذا صِراطٌ مُسْتَقِیمٌ» (آل‌عمران، ۵۱)، مؤلفه «اتمام حجت» به عنوان یکی از وجوه معناشناختی صراط مستقیم در نظام هدایتی قرآن کریم آشکار می‌گردد. این آیه با قرار گیری در ساختار روایی گفتگوی حضرت عیسی(ع) با بنی‌اسراییل، از طریق همنشینی سه مفهوم کلیدی «توحید» و «نبوت» و «معجزات»، شبکه معنایی کاملی تشکیل می‌دهد که در نهایت به صراط مستقیم منتهی می‌شود. علامه طباطبایی با درک روابط بینامتنی، اشاره می‌کند که عبارت «هذا صراطی مستقیماً» در این بافت، حاوی مؤلفه‌های معنایی«قطعیت»، «شفافیت» و «تمامیت حجت» است. چون با توحید، نبوت و معجزات همراه است و حجت را بر خلق تمام می‌کند (طباطبایی، ۳۱۶/۳). به عبارت دیگر، صراط مستقیم در این آیه، مسیری است که با تضمین معناشناختی همراه بوده و هرگونه تقابل معنایی با شبهه و تردید را مردود می‌سازد. ابن عاشور با تأکید بر دو مؤلفه «فطری بودن» و «وضوح تام» در تبیین صراط مستقیم بر این نظر است که این مسیر به گونه‌ای ترسیم شده است که هیچ عذر و انکاری را برنمی‌تابد (ابن عاشور، ۲۴۹/۳». از سویی دیگر آلوسی در تحلیل خود از آیه، به سیر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

تدریجی اتمام حجت اشاره می‌کند از نظر ایشان فرآیند اتمام حجت در سه مرحله متوالی و زنجیره‌ای به تعریف صراط مستقیم می‌انجامد. مرحلـه نخسـت بـا برهـان آوری از طریـق معجزات و با مؤلفه استدلال عینی» آغاز می‌شود که زمینه شـبهه‌زدایـی و ابطـال ادعاهـای باطل را فراهم می‌سازد. این مرحله، بستر لازم برای گذر به گـام دوم، یعنـی فراخـوان بـه التزام عملی با بیان «فاعبدون» را ایجاد می‌کند که حاوی مؤلفه «انتقال از شناخت به عمل» است. در نهایت، مرحله سوم با اعلام «هذا صراطی مستقیماً» به تعیـین چـارچوب هـدایت نهایی می‌پردازد که واجد مؤلفه‌های «تکوین نظلم هدایت» و «اعلام رسـمی مسـیر» اسـت (آلوسی، ۱۶۵/۲). این سلسله مراتب، یک زنجیره علّی ـ معناشناختی را شکل می‌دهد کـه در آن «اتمام حجت» به عنوان پیش نیاز ضروری تحقق «صراط مستقیم» عمل می‌کنـد در این آیه با وجود حضور پیامبر، دعوت توحیدی، معجزات آشکار و صـراحت در عبودیـت، دیگر مجالی برای بهانه جویی باقی نمی‌ماند. این همان مفهوم اتمام حجت است که در تعبیر قرآنی «لِئلا یَکونَ للنّاسِ عَلَی اللهَ حَجةٌ بَعدَ الرّسُل» (النساء، ۱۶۵) متبلور می‌شود.

۸ـ۹. وسعت: در تحلیل معناشناختی «صراط مستقیم»، مؤلفـه معنـایی«وسـعت» بـه عنوان یکی از وجوه بنیادین این مفهوم، جایگـاهی ویـژه دارد. ایـن مؤلفـه گـاه در آیـاتی همچون «فَمَنْ یُرِدِ اللَّهُ أَنْ یَهْدِیَهُ یَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ وَ مَنْ یُـرِدْ أَنْ یُضِـلَّهُ یَجْعَـلْ صَـدْرَهُ ضَـیِّقاً حَرَجاً کَأَنَّما یَصَّعَّدُ فِی السَّماءِ کَذلِکَ یَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَـی الَّـذِینَ لا یُؤْمِنُـونَ *وَ هـذا صِـراطُ رَبِّکَ مُسْتَقِیماً قَدْ فَصَّلْنَا الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَـذَّکَّرُونَ» (الأنعام، ۱۲۵ـ۱۲۶) با ایجاد تقابل معنـایی بـا مفاهیمی چون «ضیق» و «حرج» صراط مستقیم را نه به عنوان مسیری محـدود و دشـوار بلکه به عنوان عرصه‌ای فراخ و هماهنگ با ساختار وجودی انسان معرفی مـی‌کنـد. آیـات مدنظر (الأنعام، ۱۲۶ـ۱۲۵) با ایجاد یک نظام تقابلی دوگانه، دو حوزه معنایی متمایز ترسیم می‌کنند: از یک سو «شرح صدر» با مؤلفه‌های «فراخی» و «نورانیت» و «آرامـش» ـــ بـر پایه تعریف راغب از «شرح صدر» که آن را گشایش وجودی برپایه نور الهی و آرامشی از سوی خدا می‌داند ـ و از سوی دیگر «ضیق» و «حرج» با مؤلفه‌های «تنگـی» و «سـختی» و «عسرت» (راغب، ۳۱۳/۲). شایان ذکر است که در تمامی آیات قرآن (طه، ۲۵؛ الشـرح، ۱؛

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

الزمر، ۲۲) مفهوم «شرح صدر» در بافتی مثبت و در ارتباط با پذیرش حق و تسلیم در برابر خدا به‌کار رفته مگر یک آیه که این عبارت برای توصیف گشایش دل کافران برای پذیرش کفر استفاده شده است «ولکن من شرح بالکفر صدراً» (النحل، ۱۰۶) این استثناء خود گویای یک تمایز بافتی مهم است: در این آیه «شرح صدر» فاقد مؤلفه «نورانیت» و «آرامش الهی» است در عوض حاوی مؤلفه «استقبال از باطل» است که در تضاد کامل با کاربرد هدایتی این مفهوم در دیگر آیات دارد. علامه طباطبایی این تقابل معنایی (شرح صدر ـ ضیق) را نشانگر دو مسیر کاملاً متمایز می‌داند و بر این باور است که وسعت صراط که همان وسعت دین الهی است از هماهنگی ذاتی آن با فطرت انسان (مؤلفه فطری بودن) «فطرت الله التی فطر الناس علیها» (الروم، ۳۰) نشأت می‌گیرد. ایشان وسعت صراط مستقیم و دین را در سهل و آسان بودن آنها می‌داند (طباطبایی، ۳۸۶/۷). زمخشری با بهره‌گیری از شبکه استعاره‌ای، از مقایسه دو عبارت «صراط مستقیم» و «یصّعدُ فی السماء» همواری و وسعت صراط مستقیم را در مقابل دشواری راه باطل قرار می‌دهد. (زمخشری، ۱۴۴/۲). فخررازی نیز با تحلیل این تقابل‌ها، وسعت «صراط مستقیم» را در سه بعد: وسعت معرفتی (با تفصیل آیه)، وسعت قلبی (با شرح صدر) و وسعت عملی (با سهولت تکلیف) دسته‌بندی می‌کند (فخررازی، ۸۷/۱۳).

از آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که، «وسعت» مؤلفه ذاتی «صراط مستقیم» است، این مؤلفه در سه سطح معرفتی، قلبی و عملی تجلی می‌یابد، وسعت «صراط مستقیم» از هماهنگی آن با «فطرت» نشأت می‌گیرد و مفهوم «صراط مستقیم» مساوی مفهوم «دین» است.

۸ـ۱۰. وحدت آفرینی: در منظومه معناشناختی قرآن، صراط مستقیم افزون بر هدایت فردی، واجد مؤلفه‌ای کلان به نام «وحدت آفرینی» است. این مؤلفه، کارکردی اجتماعی ـ تمدنی دارد و «صراط مستقیم» را به محوری برای ایجاد همگرایی و انسجام در تمام سطوح زندگی بشری تبدیل می‌کند.

در تحلیل معناشناختی آیه «کانَ النَّاسُ أُمَّةً واحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِیِّینَ مُبَشِّرِینَ وَ مُنْذِرِینَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْکِتابَ بِالْحَقِّ لِیَحْکُمَ بَیْنَ النَّاسِ فِیمَا اخْتَلَفُوا فِیه... فَهَدَی اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا لِمَا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشاءُ إِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ» (البقـرة، ۲۱۳) مؤلفـه «وحدت آفرینی» به عنوان کارکردی ساختاری در معماری مفهومی «صراط مستقیم» ظهور می‌یابد. این آیه با ترسیم یک مدل سه سطحی، نقش محوری «صراط مستقیم» را در ایجاد انسجام نشان می‌دهد: در سطح غایت شناسی، مؤلفه «مقصد مشترک» بـا محوریـت «الـی الله»، با نقش آفرینی پیامبران تمامی مسـیرهای هـدایت را بـه یـک غایـت نهـایی همگـرا می‌سازد (طباطبایی، ۱۸۱/۲)؛ در سطح روش شناختی، مؤلفه «منبـع معیـار مشـترک» بـا تأکید بر «الکتاب»، به عنوان سند مشترک هدایت چارچوبی استاندارد و یگانه برای هدایت ارائه می‌دهد (ابن عاشور، ۳۰۵/۲)؛ و در سطح جامعه‌شناختی مؤلفه «امت واحد» به ایجاد جامعه‌ای منسجم حول محوری واحد که «صراط مستقیم» اسـت، مـی‌انجامـد (سـیدقطب، ۲۳۵/۱-۲۳۷). ابن عاشور با نگاهی تاریخی ـ تمدنی به این آیه، با شناسایی مؤلفه «تمدن سازی» نقش زیرساختی «صراط مستقیم» در پیشرفت تمـدنی را برجسـته مـی‌کنـد. وی بـا تقسیم مراحل سه گانه تحول اجتماعی بـه «دوره وحـدت فطـری، دوره اختلافـات قـومی و نژادی، دوره هدایت سازمان یافته از طریق انبیاء با محوریت صراط مستقیم»، نقـش پیـامبران را در هدایت جامعه از مرحله ابتدایی وحدت به سوی وحدتی آگاهانه و مبتنـی بـر شـریعت الهی که همان صراط مستقیم است، تبیین می‌نماید (ابن عاشـور، ۳۰۴/۲-۳۰۶)، حـال آنکـه سید قطب بانگاهی جامعه شناختی و با کشف مؤلفه «نظام سازی الهی» نقش جـایگزین سـاز آن را در مقابل نظام‌های جاهلی آشکار می‌سازد. به اعتقاد ایشـان ایـن مفهـوم در آیـه ۱۲۳ سوره البقره به عنوان «منشور اجتماعی اسلام» عرضه شده است (سید قطب، ۲۳۵/۱ـ۲۳۷).

بر پایه پژوهش انجام شده این نتیجه حاصل آمد که مؤلفه «وحـدت آفرینـی»، از جملـه مؤلفه‌های معنایی بنیادین «صراط مستقیم» است که آن را از حیطه هدایت فردی فراتر برده و آن را به الگویی جامع برای نظام سازی اجتماعی ارتقاء می‌دهد این مؤلفه نشان مـی‌دهـد کـه هدایت قرآنی، پروژه‌ای صرفاً معنوی نیست، بلکه طرحی است برای ایجاد تمدن یکپارچه کـه در آن «وحدت در غایت»، «وحدت در روش» و «وحدت در جامعه» به صورت هماهنـگ محقق می‌شود. و «صراط مستقیم» به عنوان محـور اصـلی وحـدت در قـرآن بـا دارا بـودن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

ویژگیهای «فطری بودن، جامعیت، تاریخمندی»، ذاتاً ماهیت وحدت بخشی دارد. به تعبیر علامه طباطبایی «صراط مستقیم»، جاده اصلی هدایت است که همه راههای دیگر به آن منتهی می‌شود (مؤلفه وحدت آفرینی) و تنها مسیر وصول به سعادت حقیقی است (طباطبایی، ۱۵۸/۲). این دیدگاه مؤید ترادف «صراط مستقیم» با «دین» در قرآن است.

نتایج مقاله

این پژوهش با رویکردی تلفیقی از معناشناسی مؤلفه‌ای، تفسیر موضوعی و تحلیل سیاقی، تلاش کرد تا «صراط مستقیم» را به مثابه یک کلان مفهوم قرآنی بازخوانی کند.

از نوآوری‌های تحقیق:

۱. استخراج مؤلفه‌های معنایی صراط مستقیم از بطن آیات است که مفاهیمی نظیر قیمومیّت، اعتدال، یگانگی، عبودیت، قرب حضور، تمسک به خدا، جامعیت، وحدت آفرینی و اتمام حجت را در برمی‌گیرد و نشان می‌دهد که «صراط مستقیم»، تجلی گاه تمامیت دین توحیدی در هندسه معنایی قرآن است.

۲. دسته‌بندی آیات مربوط به صراط مستقیم به سه حوزه کلیدی چیستی، عوامل هدایت و مصادیق عینی، تصویری کارکردی و نظام‌مند از این مفهوم ارائه کرد.

۳. تحلیل تطبیقی «صراط» و «سبیل» با تکیه بر تقابل معنایی، تفاوت سیاقی و آراء مفسران، به تمایز بنیادین این دو واژه منجر شد و نشان داد که «صراط» مفهومی واحد، الهی و ثابت است، در حالی که «سبیل» مفهومی ذومراتب و وابسته به مرجع انتساب است که می‌تواند در خدمت هدایت یا ضلالت قرار گیرد.

۴. در نهایت پژوهش حاضر اثبات کرد که «صراط مستقیم» در هندسه معنایی قرآن، معادل مفهومی واژه «دین حق» است و به مثابه یکی از مهمترین واژگان جانشین آن در ساحت زبان وحی قابل تحلیل است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغه، بیروت، دارالعلم للملایین، بی‌تا.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الأعلام الإسلامی، بی‌تا.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ایران ـ مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای علمی، ۱۴۰۸ق.
۵. ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، لبنان ـ بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۲ ق.
۶. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار أحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۷. ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۸. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، مترجم، احمد آرام، چاپ نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱ش.
۹. همو، مفاهیم اخلاقی، دینی در قرآن مجید، چاپ دوم، تهران، نشر فرزان روز، ۱۳۷۸ش.
۱۰. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع المثانی، تحقیق عبدالباری عطیه، علی، لبنان ـ بیروت دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضوی، ۱۴۱۵ق.
۱۱. تقدیسی، محمدمهدی، معناشناسی واژه دین در قرآن کریم، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۲ش.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق أحمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، بی‌تا.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالشامیه،۱۴۱۲ ق.
۱۴. رکعی، محمد و نصرتی، شعبان، میدانهای معناشناسی در کاربست قرآنی، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۹۶.
۱۵. زبیدی مرتضی، محمد بن محمد، تاج العروس فی شرح القاموس، بیروت ـ لبنان، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، لبنان ـ بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. همو، مقدمة الأدب، دانشگاه تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، دانشگاه مک گیل، ۱۳۸۷ ش.
۱۸. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، بیان السعاده فی مقامات العباده، لبنان بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
۱۹. شرتونی، سعید، أقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد، اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۷ش.
۲۰. صفوی، کورش، درآمدی بر معناشناسی، چاپ ششم، انتشارات سوره مهر، سال ۱۳۹۹.
۲۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، لبنان ـ بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ایران ـ تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تحقیق حسینی اشکوری، احمد، ایران ـ تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح عاملی، احمد حبیب، لبنان ـ بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت ـ لبنان، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ۱۴۱۵ق.
۲۶. قرشی بنایی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ایران ـ تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۲۷. قمی، شیخ عباس، فرهنگ واژگان قرآن، مترجم انصاری، غلام حسین، ایران ـ تهران، انتشارات بین‌الملل، ۱۳۹۵ش.
۲۸. مغنیه، محمدجواد، تفسیرالکاشف، ایران ـ قم، دارالکتب الإسلامی، ۱۴۲۴ق.
۲۹. میبدی، احمد بن محمد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ایران ـ تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-09]